

## آقای هالو



نیوشا طبیبی

روزنامه‌نگار و یادگستر

پشت خط عابر پیاده می‌ایستم، عابر، با خیالی راحت بی آنکه نگاهی به من و ماشین‌های ایستاده پشت خط بباندازد، سلاسه‌سلاسه به آن سو می‌رود. آرامش‌اش نشان از اعتمادی که به انجام وظیفه شهروندی توسط رانندگان دارد، می‌آید. این آسودگی را در چهره بقیه عابران هم دیده‌ام. در موقعیت‌های دیگر هم دیده‌ام و اصلاً به آن دقت دارم. وقتی تازه مهاجرت کرده بودم به عادت سالیان سال زندگی در وطن، وقت عبور از عرض خیابان می‌ایستادم تا ماشین‌ها عبور کنند، خلوت بشود و بعد من بگذرم. هنوز هم این اضطراب را دارم. این تردید را در دیگر رفقای مهاجرم هم دیده‌ام. اما این تردید و آن اطمینان از کجا می‌آیند؟ ما دست‌کم یک‌قرن اطمینان است که برای برقراری قانون و اعمال آن کوشیده‌ایم. نویسنده کتاب مشروطه‌ی ایرانی چیزی قریب این مضمون می‌گوید که برقراری نظام‌های مشروطه در کشورهای اروپایی برای تحدید قوانین و قدرت پادشاهی بود و در ایران برای تدوین و اعمال قانون. روزنامه‌ای که میرزا ملکم‌خان در لندن منتشر می‌کرد هم «قانون» نام داشت؛ روزنامه‌ای که در برپایی انقلاب مشروطه نقش مهمی داشت.

ایستادن پشت خط عابر پیاده از بدیهی‌ترین اعمال منطبق با قانون و حقوق متمدنانه و شهروندی امروز است. شاید همین نمونه، معیار خوبی برای سنجش میزان تعهد و علاقه ما ایرانی‌ها به قانون‌مداری باشد. واقعیت آن است که ما بدون استثنا، در برپایی آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و رویه‌ها و اصول، ید طولایی داریم و خوب بلدیم که نظام‌نامه و قانون بنویسیم، اما به همان اندازه‌ی مهارت‌مان در تدوین قوانین، در دور زدن آنها هم اهتمامی کامل داریم. روراست باشیم، در نظر ما آدم مقید به قانون، هالو و ساده جلوه می‌کند. اگر کسی مالیاتش را درست و حسابی پرداخت کند و درآمد هایش را شفاف و بدون دروغ به اداره مالیات گزارش کند، اصلاً کسی حرف او را باور نمی‌کند! مگر ممکن است... فشار اجتماعی برای رد کردن و زدن وزن قانون بسیار زیاد است. دستگاه‌های اجرایی و ناظر، در بسیاری از مواقع قوانین را نادیده می‌گیرند یا محتمل برای ترک وظیفه یا تجاوز از حدود اعمال قدرت خود پیدا می‌کنند.

فشار اجتماعی برای نادیده گرفتن قانون، یعنی همان لحظه‌ای که پشت خط عابر پیاده میدان ونک می‌ایستم تا عابر پیاده که قانون به او حق تقدم داده است، با خیالی آسوده از عرض خیابان بگذرد و راننده پشتی دستش را روی بوق ماشینش می‌گذارد و فحش می‌دهد که حرکت کن و راکب موتور چندمتر قبل از اینکه برسد، فریاد می‌زند که برو و نایست و بعد نگاه‌هایی ملالت‌بار و گاهی فریادهایی توأم با ناز است که بر سرم آوار می‌شوند. همین جاست که وقتی پشت خط عابر می‌ایستیم، عابر ایرانی، جرأت عبور ندارد، نمی‌داند که آیا راننده همچنان منتظر می‌ماند تا او با آرامش عبور کند یا با تهدید تا چند سانتیمتری اش جلو می‌آید؟ این را بگذارد پیش تجاوز زشت موتورسیکلت‌سواران به پیاده‌روها و ترساندن مردم و صدمه‌زدن به کودکان و سالخورده‌گان. اگر جرأت اعتراض داشته باشید، راکب موتور قطعاً درسی به شما خواهد داد تا هرگز فراموش نکنید که آنها آزادند در هر جایی برانند. عرض من فقط در باره قوانین راهنمایی و رانندگی و آزار متخلفان و تجاوزشان به حقوق شهروندان نیست، عرض این است که وقتی این قوانین بدیهی و روشن رعایت نمی‌شوند، قوانین بزرگ‌تر هم رعایت نخواهند شد. نماینده مجلس با اطمینان، به گوش پلیس سیلی می‌زند و در دور بعد هم صلاحیتش تأیید می‌شود. اختلاس، زمین‌خواری و مانند اینها هم اگر از سوی صاحبان صلاحیت انجام شود، قابل چشم‌پوشی خواهد بود و کسی به آن رسیدگی نخواهد کرد.

حتی معترضان و گزارش‌کنندگان، متهم به اخلال در نظم، قانون و امنیت خواهند شد. آن آرامش و آن عدم اطمینانی که در ابتدا عرض کردم در رفتار شهروندی بروز می‌کند، اطمینان از حمایت قانون، اطمینان از انجام وظایف و تردید در همه اینهاست. امنیت فقط پاسداری از ملت در مقابل تهدیدات دشمنان خارجی نیست. برقراری امنیت یعنی تقید به قانون در همه ارکان.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دبلیو، بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الهه ابراهیمی (خبر) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی‌تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۶۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



## خاموشی چراغی دیگر

در ادامه سلسله تعطیلی کتابفروشی‌ها  
کتابفروشی مهم دیگری در تهران تعطیل شد



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

شهرکتاب بهشتی، یکی از کتابفروشی‌های پر مخاطب و مرکزی تهران، به دلیل افزایش بهای اجاره ملک تعطیل شد. این خبر تأسفبار بود که روز شنبه ۲۵ فروردین ماه، توسط روابط عمومی این شهرکتاب برای رسانه‌ها ارسال شد. خبری که نگاهی به پیشینه آن در تاریخ ۱۶ بهمن ماه ۱۴۰۲، تأسف عمیق‌تری را برمی‌انگیزد؛ هنگامی که جمعی از ناشران و کتابفروشان در واکنش به تعطیلی شهرکتاب بهشتی که در ملک فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی قرار دارد، در نامه‌ای خواستار جلوگیری از تعطیلی این واحد فرهنگی شدند. نامه‌ای که به‌ظاهر می‌فایده بود و مساعدت غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی را به همراه نداشت و به تعطیلی همیشگی شهرکتاب بهشتی انجامید؛ اتفاقی که روابط عمومی شهرکتاب بهشتی درباره آن چنین توضیح داده است: «در گزارش سالانه شهرکتاب آمده است که در سال ۱۴۰۳، چهار شعبه جدید به فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهرکتاب در اردبیل، تربت‌جام، کافه زینا و یزد اضافه شده است، اما شیرینی راه اندازی چهار فروشگاه خوب و بزرگ جمعاً به مساحت تقریبی ۱۷۰۰ مترمربع، با تعطیلی شهرکتاب بهشتی تهران و انتقال به محل دیگری، کام مدیران شهرکتاب را تلخ کرده است. به‌ویژه آن که شهرکتاب بهشتی تهران مجموعه‌ای موفق، کامل و روزآمد با شبکه‌های اجتماعی فعال و خلاق برای ترویج کتابخوانی و نیز کافه‌کتابی آرام و دوست‌داشتنی بوده است». در این متن علت تعطیلی شهرکتاب بهشتی، افزایش بهای اجاره ملک اعلام شده و از موجد هم بابت همراهی خود طی دوسال گذشته و عدم افزایش مبلغ اجاره متناسب با قیمت‌های روز منطقه، سپاسگزاری شده است. در پایان نیز ابراز امیدواری شده است که هر چه زودتر شهرکتاب بهشتی در محل جدید به فعالیت خود ادامه دهد.

### عدم اطلاع از سازوکار تولید، اشاعه و مصرف فرهنگ

تقی آزاد ازاد، محقق، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران، در پاسخ به این پرسش که تعطیلی یک مکان فرهنگی با سابقه مانند شهرکتاب بهشتی و کم‌شدن یکی از مراکز فرهنگی در سطح جامعه را از منظر جامعه‌شناسی چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ به «هم‌میهن» گفت: «تعطیلی این مکان فرهنگی، عملی ضدفرهنگ و مغایر با اهداف و برنامه‌هایی است که فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان موجد ملکی که در اختیار این مکان بوده، برای خود تعریف کرده است. این عمل مؤید این نکته است که ما در نمی‌یابیم زمانی که نهادی فرهنگی شکل می‌گیرد، زمان می‌برد تا مخاطبان خود را پیدا کنند. افراد به آن علقه پیدا کنند، به‌عنوان پاتوقی فرهنگی بشناسند و به آن رفت‌وآمد کنند. همان‌طور که به‌عنوان مثال پس از ساخت یک مسجد در یک محل، به زمانی طولانی نیاز است تا به‌عنوان محل رفت‌وآمد و مکانی مورد وثوق همگان شناخته شود. عدم توجه به این نکته نشان می‌دهد که ما از اصول اشاعه فرهنگ کاملاً بی‌اطلاعم و متوجه نیستیم که یک مکان فرهنگی یک‌شبه مکان فرهنگی نمی‌شود و با منطقی و صرف سرمایه‌ها و زمانی به نقطه‌ای می‌رسد که قابل بهره‌برداری شود. این اتفاق نشان می‌دهد که ما اساساً متوجه نحوه تولید، انتقال و اشاعه فرهنگ نیستیم. اشاعه فرهنگ نیازمند مقتضیاتی اجتماعی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و... است و هنگامی که به‌واسطه مکانی فرهنگی اتفاق می‌افتد، منجر به شکل‌دهی عادت‌های اجتماعی می‌شود و تعطیلی مکان فرهنگی نشان از عدم اطلاع نسبت به سازوکار تولید، اشاعه و مصرف فرهنگ است.»

### پاسخی از روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی

روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی اما با اشاره به خطوط پایانی متن منتشرشده از سوی روابط عمومی شهرکتاب بهشتی؛ با سیاستگری از موجد بابت همراهی خود طی دوسال گذشته و عدم افزایش مبلغ اجاره متناسب با قیمت‌های روز منطقه می‌گوید که فرهنگستان، نهادی دولتی است و هنگامی که می‌خواهد املاک تحت‌تملکش را اجاره دهد، باید براساس ارزیابی کارشناسان رسمی دادگستری عمل کند هر چند در دوسال گذشته در خصوص ملکی که در اختیار شهرکتاب بهشتی قرار داشته، براساس ارزیابی‌های پیشین این کارشناسان و نه ارزیابی‌های به‌روز آن‌ها عمل کرده است. این نهاد در ادامه توضیح خود می‌گوید، باتوجه به دستگاه دولتی بودن فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و لزوم پاسخگویی آن به دستگاه‌های ناظر، اجاره‌دادن املاک تحت اختیار آن با قیمتی کمتر از قیمت واقعی برای دستگاه‌های ناظر، موجب ایجاد سوال می‌شود. روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در بخش پایانی توضیحات خود به سازوکار تأمین بخشی از بودجه فرهنگستان از طریق اجاره‌دادن املاک تحت اختیارش اشاره می‌کند و می‌گوید، اجاره‌های دریافتی از مستقات این چنینی، تأمین‌کننده بخشی از درآمد اختصاصی فرهنگستان است و بیش‌ازاین امکان چشم‌پوشی از آن نبوده است.

### امیدی که همچنان وجود دارد

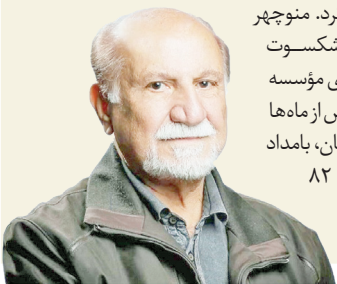
مهدی فیروزان، مؤسس و مدیرعامل مؤسسه شهرکتاب با اشاره به همراهی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در طول سه‌سال گذشته با شهرکتاب بهشتی به «هم‌میهن» گفت: «شهرکتاب در سال‌های اخیر همواره با وجود موانعی که بر سر راه اقتصاد فرهنگ وجود دارد، مسیر رو به رشدی را پیرومده است و هم‌اکنون قریب به ۹۰ شعبه شهرکتاب در گوشه و کنار ایران فعال هستند. با وجود همه تلاش‌ها، گاه نیز به اجبار فعالیت برخی فروشگاه‌های شهرکتاب متوقف می‌شود و تعطیلی فروشگاه شهرکتاب بهشتی، واقع در تقاطع خیابان بهشتی و خیابان احمد قنبر، از جمله همین رویدادهای کم‌شمار در خانواده شهرکتاب است.»

او ادامه داد: «علت این توقف نیز افزایش اجاره‌بهای ملک بوده است. موجد بعد از دوسال عدم‌افزایش، اسامی اجاره‌بهایی متناسب با قیمت منطقه طلب کرد که تأمین آن امکان‌پذیر نبود. مؤسسه شهرکتاب امیدوار است باتوجه به تدبیر و تجربه سرکار خانم نظری، مدیر این فروشگاه و مجموعه تلاش‌هایی که در مؤسسه صورت می‌گیرد، مجدداً شاهد فعالیت آن در محلی جدید باشد. همچنین باتوجه به یکپارچه بودن این قرارداد با قرارداد اجاره مرکز فرهنگی شهر کتاب، فعالیت‌های این مرکز نیز موقتاً و تا انتقال به محلی جدید، متوقف شده است. مرکز فرهنگی شهرکتاب نیز از ارکان مهم مؤسسه شهر کتاب بوده است که با استقبال و همراهی همیشگی اهالی فرهنگ رو به‌رو بوده است. تلاش مادر مؤسسه شهرکتاب بر این است که چراغ مرکز فرهنگی به‌زودی مجدداً در محلی جدید روشن شود. مرکز فرهنگی شهرکتاب آغاز یک حرکت مهم در عرصه نقد کتاب و نشست‌های فلسفی و ادبیاتی بوده است و این مسیر حتماً ادامه خواهد یافت؛ در کنار آن که بسیاری از فروشگاه‌های شهرکتاب از جمله فروشگاه مرکزی این روزها به‌طور منظم میزبان نشست‌های فرهنگی هستند و این موضوع به بخش جدانشدنی خانواده شهرکتاب تبدیل شده است.» او در پایان با تأکید بر این که مجموعه فروشگاه‌های شهرکتاب همواره برای ادامه فعالیت خود به مردم متکی بوده‌اند و فارغ از تعداد محدودی فروشگاه قدیمی که با حمایت شهرداری تهران در دهه ۷۰ توسعه یافتند، بیش از ۷۰ درصد فروشگاه‌های شهرکتاب متعلق به فعالان فرهنگی بخش خصوصی هستند، ادامه داد: «ماموریت اصلی شهرکتاب، توسعه فضاهای فرهنگی با کمک مردم با حضور مردم و با سرمایه مردم است و تلاطم‌های اقتصادی طبیعتاً بر فعالیت فروشگاه‌های شهرکتاب اثرگذار است به‌همین دلیل همواره مؤسسه شهرکتاب به دنبال راهکارهای نوین برای توسعه کسب‌وکارهای فرهنگی، بدون اتکا به بودجه عمومی بوده و عملکرد ۲۰ سال اخیر مؤسسه شهرکتاب، بیانگر این موضوع است.»

## چهره

### درگذشت هنرمند پیشگوت موسیقی

منوچهر پناهی‌نژاد، تیرماه ۱۳۲۱ در تهران به دنیا آمد. او دارای مدرک درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود و از سال ۱۳۹۱ به عضویت مؤسسه هنرمندان پیشگوت درآمد. موسیقی در خانواده پناهی‌نژاد، موروثی بود و او موسیقی را نزد پدرش آموخت و اولین سازش ویولن بود، سپس سراغ درام و سازهای کوبه‌ای رفت و در ۹ سالگی نوازنده حرفه‌ای شد و برای نمایش‌های گوناگون موسیقی اجرا کرد. منوچهر پناهی‌نژاد سال ۱۳۴۶ به وزارت فرهنگ و هنر رفت و با هنرمندانی چون عباس خوشدل، عماد رام و... همکاری داشت. از فعالیت‌های پناهی‌نژاد می‌توان به اجرا با ارکستر سمفونیک به رهبری نادر مشایخی در وین، برلین، لبنان و یونیسف اشاره کرد. منوچهر پناهی‌نژاد، هنرمند پیشگوت موسیقی و یکی از اعضای مؤسسه هنرمندان پیشگوت پس از ماه‌ها مبارزه با بیماری سرطان، بامداد روز ۲۵ فروردین‌ماه در ۸۲ سالگی درگذشت.



## کتابخانه

### احوالات گوته و یادداشت‌های مفیستو

کتاب «شرح حال گوته به سعی مفیستو»، نوشته کریستیان موزر، ترجمه ناصر غیاتی در ۱۵۰ صفحه و با قیمت ۱۵۰ هزار تومان، توسط نشرنو منتشر شده است. مفیستو فلس یا مفسف آن مفیستو، اسم شیطان یا یکی از شیطان‌ها و نیز نام شخصیتی اهریمنی در ادبیات آلمان است. مفیستو اولین بار در افسانه فاوست به‌عنوان نماینده شیطان ظاهر شد. طبق پیمانی که بستند، مفیستو متعهد شد تا زمانی در خدمت فاوست باشد که یا او یک جمله خاص را بر زبان بیاورد یا مهلت مقرر به‌سر برسد. از آن زمان به بعد نقش‌ها عوض می‌شد و فاوست باید

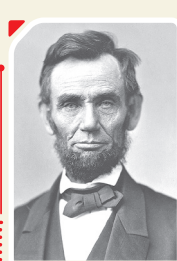


شرح حال گوته به سعی مفیستو نویسنده: کریستیان موزر مترجم: ناصر غیاتی انتشارات: نشرنو

کمر به خدمت مفیستو ببندد. از قرار معلوم، دکتر فاوست به‌علت وقوع انفجار هنگام انجام یک آزمایش شیمیایی در هتلی کشته شد. وقتی جسدش را که به‌طرز فجیعی از شکل افتاده بود، یافتند، نتیجه گرفتند که چون با شیطان پیمان بسته، او شخصاً قبض روحش کرده است. «شرح حال گوته به سعی مفیستو»، شرح حال گوته به نقل از یادداشت‌های روزانه مفیستو است.

## تاریخ

### قتل آبراهام لینکلن



۱۵ آوریل ۱۸۶۵ آبراهام لینکلن، شانزدهمین رئیس‌جمهور آمریکا، به دست یکی از طرفداران برده‌داری به‌نام جان ویلکس بوث ترور شد و به قتل رسید. رئیس‌جمهور آمریکا در این زمان ۵۶ سال داشت. لینکلن در سال ۱۸۴۷ به‌نمایندهای کنگره آمریکا انتخاب شد و صراحت لہجه و خطابه‌های سیاسی مهم، او را در سراسر آمریکا به شهرت رسانید. او در این خطابه‌ها، از موضوعی بشردوستانه علیه تبعیض‌های نژادی سخن می‌گفت و هنگامی که در سال ۱۸۶۱ به ریاست جمهوری آمریکا رسید، در نبرد میان ایالت‌های شمال و جنوب بر سر برده‌فروشی، روبه‌روی برده‌داران و نژادپرستان ایستاد و در یکم ژانویه ۱۸۶۳، اعلامیه آزادی بردگان را صادر کرد. او همچنین علاوه بر طرح ایجاد راه‌آهن سراسری آمریکا، نزدیک ۲۴۰ میلیون هکتار زمین‌های خالصه را نیز به کشاورزان واگذار کرد. این اقدامات لینکلن خشم مخالفان او را برانگیخته بود. او مدام به ترور تهدید می‌شد، اما به این تهدیدها چندان اهمیتی نمی‌داد تا اینکه جان بوث در حین تماشای تئاتر، با شلیک گلوله‌ای به سر رئیس‌جمهور، او را از پای درآورد.